

درس کلام استاد ربانی

۹۹/۰۴/۰۳

بسم الله الرحمن الرحيم

« فهرست دروس

**موضوع: چرایی و چگونگی جهنم****وعیدهای عذاب نسبت به گناهکاران از جهت وقوع و عدم وقوع**

در دو گفتار پیشین این مطلب بیان شد که قرآن کریم و روایات معصومین (ع) درباره دوزخ و عذاب های اهل آن با ادبیاتی بسیار ترسناک، خوف انگیز و بیمناک سخن گفته اند کما اینکه در نقطه مقابل آن، بهشت با ادبیاتی بسیار دل انگیز و جذاب توصیف شده است.

**سوال:** آیا وعیدهایی که در قرآن و روایات درباره دوزخ و جهنم و عذاب های آن آمده است، واقع می شوند یا چون وعید است و انجام وعید حتمی نیست، می تواند واقع نشود؟

این مساله از دیرزمان در میان عالمان اسلامی مطرح بوده است. در اینکه عمل به وعده از سوی خداوند قطعی است و خداوند به وعده هایی که به مومنان درباره بهشت داده است قطعا عمل می کند سخنی نیست و اختلافی در میان مذاهب اسلامی در این باره وجود ندارد. اما درباره وعیدهای الهی دو دیدگاه مطرح شده است: دیدگاه تفضیلیه و دیدگاه وعیدیه. **دیدگاه اول** می گوید عمل به وعید از نظر عقل واجب نیست و ممکن است خداوند به وعیدهایی که به ظالمان داده است عمل نکند و اگر چنین بکند بر خلاف صفات کمالیه و جمالیه خویش عمل نکرده است. اکثر

حوزه علمیه قم

مسجد اعظم

قم

مدرسه فیضیه

مدرسه خان

مدرسه آیت الله گلپایگانی

سایر مدارس

فقه معاصر

تفسیر

رجال

دروس به زبان عربی

دروس سطوح عالی

حوزه علمیه نجف

نجف

حرم امیرالمؤمنین (ع)

مساجد

حوزه علمیه مشهد

مدرسه آیت الله خویی

سایر مدارس مشهد

تفسیر و نهج البلاغه

سایر حوزه ها

شهرستانها

کربلا

بیروت

دمشق

داکار (آفریقا-سنگال)

قطیف و احساء

کابل

سایر موضوعها

کلام و فلسفه

طب در روایات

بزرگان معاصر

تقریر عربی دروسها

راهنما

تقریر نویسی

مشکلات

ثبت نام

ثبت نام

ویرایش اطلاعات

نرم افزارها

پخش زنده- کامپیوتر

پخش زنده- اندروید

آرشیو مدرسه فقاها

عالمان اسلامی از جمله امامیه این دیدگاه را برگزیده اند. در مقابل دیدگاه وعیدیه، معتقد است انجام وعید همانند وعده واجب دانسته و ترک آن قبیح می باشد. خوارج و عده ای از معتزله چنین دیدگاهی داشته اند.

امامیه و پیروان مذهب اهل بیت (ع)، همان دیدگاه تفضیله را دارند منتهی باید این نکته را توجه داشت که احتمال اینکه وعیدهای الهی عمل نشود فی الجمله و در مورد برخی افراد و برخی معاصی است نه به صورت کلی. از مجموع آیات و روایات چنین بدست می آید که وعیدهای الهی در مورد کافران و منافقان و مشرکان، قطعی الوقوع است. چند نمونه از ادله قرآنی آن چنین است:

۱. سوره نساء، آیه ۱۶۸ «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ ظَلَمُوا لَمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيَغْفِرَ لَهُمْ وَ لَا لِيَهْدِيَهُمْ طَرِيقاً» [۱] : کسانی که کفر ورزیدند و ستم کردند، امکان ندارد که خداوند متعال آنها را بیامرزد. (فرض این است که توبه نکرده از دنیا رفته اند). تنها یک راه پیش روی آنها وجود دارد و آن راه جهنم است و در آن جاویدان هستند.

۲. سوره توبه، آیه ۶۸ «وَعَدَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَ الْمُنَافِقَاتِ وَ الْكُفَّارَ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا هِيَ حَسْبُهُمْ وَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ وَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّقِيمٌ» [۲] : خداوند به مردان و زنان منافق و کافران آتش دوزخ را وعده داده است و در آن خالد هستند و این عذاب جهنم برای عذاب آنها کافی است و اینها از رحمت الهی رانده شده و برای آنها عذابی پایدار است.

معلوم است که این وعده الهی در مورد منافقان و کفار قطعی الوقوع است و ادامه هم دارد.

۳. «قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالاً» (۱۰۳) الَّذِينَ ضَلَّ سَعْيُهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ هُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعاً (۱۰۴) أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَ لِقَائِهِ فَحَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فَلَا نُقِيمُ لَهُمْ يَوْمَ

**الْقِيَامَةِ وَزُنًا» [۳] :** آیا می خواهید به شما خبر دهیم که زیانکارترین افراد کیست؟ کسانی هستند که کوشش و کار آنها در زندگی دنیا کم شده و کسانی هستند که می پندارند کارشان نیکو است . اینها کسانی هستند که به آیات الهی کفر ورزیده و منکر قیامت بودند و اعمال آنها بی ارزش است و در قیامت نیز وزن و ارزشی ندارند. برای آنها در قیامت جهنم است که جزاء آنها است و این بدان خاطر است که آیات الهی را به تمسخر می گرفتند.

**۴. قرآن درباره کسانی که طلا و نقره را جمع کرده و در راه خداوند انفاق نمی کنند می فرماید: «وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَ لَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ . يَوْمَ يُحْمَى عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَتُكْوَى بِهَا جِبَاهُهُمْ وَ جُنُوبُهُمْ وَ ظُهُورُهُمْ هَذَا مَا كَنْزْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ فَذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْنِزُونَ» [۴] :** و کسانی را که طلا و نقره می اندوزند و آن را در راه خدا هزینه نمی کنند ، به عذابی دردناک خبر ده . روزی که آن اندوخته ها را در آتش دوزخ به شدت حرارت دهند و پیشانی و پهلوی و پشتشان را به آن داغ کنند [و به آنان نهیب زنند ] این است ثروتی که برای خود اندوختید ، پس کیفر زراندوزی خود را بچشید.

مشخص است که آنچه در آیه شریفه بیان می شود امری واقع شدنی و قطعی الوقوع است

**۵. «وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَ لَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَ لَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ» [۵] :** مسلماً بسیاری از جنیان و آدمیان را برای دوزخ آفریده ایم [ زیرا ] آنان را دلهایی است که به وسیله آن [ معارف الهی را ] در نمی یابند ، و چشمانی است که توسط آن [ حقایق و نشانه های حق را ] نمی بینند ، و گوش هایی است که به وسیله آن [ سخن خدا و

پیامبران را [ نمی‌شنوند ، آنان مانند چهارپایانند بلکه گمراه‌ترند ؛ اینانند که غافل [ از معارف و آیات خدای ] اند.

۶. «و خَابَ كُلُّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ. مِنْ وَرَائِهِ جَهَنَّمُ وَ يُسْقَى مِنْ مَاءٍ صَدِيدٍ. يَتَجَرَّعُهُ وَ لَا يَكَادُ يُسِيغُهُ وَ يَأْتِيهِ الْمَوْتُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَ مَا هُوَ بِمَيِّتٍ وَ مِنْ وَرَائِهِ عَذَابٌ غَلِيظٌ » [۶] : و هر سرکش منحرفی [ از رسیدن به هدفش ] نومید شد. [ سرانجام ] پیش روی او دوزخ است ، و او را از آبی چرکین و متعفن می‌نوشانند ! ! آن را [ به مشقت ] جرعه‌جرعه می‌نوشد ، [ چون به خواست خود حاضر به نوشیدن نیست ، بلکه به زور و جبر در گلویش می‌ریزند ، ] و [ او ] نمی‌تواند آن را به [ آسانی ] فرو برد ، و مرگ از هر طرف به او رو می‌کند ، ولی مردنی نیست ، و عذابی سخت و انبوه به دنبال اوست .

بنابراین کسانی که از دنیا می‌روند و توبه نکرده و منافق و کافر هستند عذاب‌هایی که به آنها وعده داده شده است قطعی است. اما درباره اینکه آیا این وعیدها جاودانه است و استمرار دارد یا نه، بحث دیگری است .

وعیدهای دیگر درباره غیر منافقین و کافرین و مشرکین یعنی در مورد مومنینی است که مرتکب گناه شده و بی توبه از دنیا رفته اند. در مورد اینها بحث است که آیا این وعیدها قطعی الوقوع است یا امکان عدم وقوع دارد؟ مساله اختلافی است و همان طور که گفته شده دیدگاه امامیه آن است که این وعیدها می‌تواند واقع نشود و عمده دلیل آن مساله شفاعت است. پیامبر اکرم (ص) فرمود: «ادخرت شفاعتي لاهل الكبائر من أمتي». بنابراین این مساله بی ضابطه و معیار نیست.

در قطعیت شفاعت شکی نیست اما در مورد آن نیز استثنائاتی وجود دارد. قرآن می‌فرماید: «ما لِلظَّالِمِينَ مِنْ حَمِيمٍ وَ لَا شَفِيعٍ يُطَاعُ» [۷] . در روایتی از امام صادق (ع) آمده است که شفاعت

ما به کسانی که نماز را سبک بشمارند نخواهد رسید. در روایت دیگری فرمودند: شفاعت ما پذیرفته شده است جز در مورد کسانی که ناصبی هستند.

بنابراین اصل اینکه وعیدها ممکن است مشمول رحمت واسعه الهی و شفاعت معصومین (ع) و سایر شفیعیان قرار گیرد، صحیح و در باره آن سخنی نیست، اما باید توجه داشت که شفاعت در حق گناهکاران دو نقش می تواند داشته باشد: **یکی** نقش جلوگیری از واقع شدن در عذاب و **دیگری** نقش برداشتن از عذاب. اگر مشمول اول بشود یعنی به دوزخ نخواهد رفت، اما ممکن است گرفتار برزخ و احوال قیامت شود. گونه دوم آنجا است که مدتی گرفتار عذاب دوزخ می شود و بعد مشمول شفاعت قرار می گیرد و از آن رهایی پیدا می کند.

این سخن صحیحی است که رحمت الهی به قدری نسبت به گناهکاران واسع است که شیطان هم طمع می کند، اما همان گونه که بیان شد رحمت الهی ضابطه مند و شامل همه اهل معصیت نمی شود، زیرا آنها قابلیت اینکه در معرض این رحمت واسع قرار گیرند را با عمل خودشان از بین برده اند. مثل اینکه خورشید که می تابد در اینکه تابش آن محدودیتی ندارد و برای مکان های مختلف یکسان است سخنی نیست، اما اینکه مکان ها مختلف است و برخی قابلیت زمینه استفاده از نور الهی را ندارند وجود دارد. پس هم می توان گفت نور الهی فراگیر است و همه جا را فرا گرفته است و هم درست است که بگوییم برخی افراد از اینکه از نور الهی استفاده کنند محروم هستند.

حاصل اینکه مساله وعید دارای تفصیل است و اگر کسی به صورت مطلق درباره آن سخن بگوید، سخنش نه عالمانه است و نه حکیمانه و نه رحیمانه. امید است به گونه ای عمل کنیم که شایستگی بهره مندی از شفاعت اهل شفاعت و در راس آنها

پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت طاهرین ایشان را بیابیم و این در گرو آن است که زندگی و مشی ما در این دنیا به گونه ای باشد که مطابق رضایت آن بزرگواران قرار داشته باشد.

ادامه مباحث در جلسات بعد بیان خواهد شد.

[۱] نساء/سوره ۴، آیه ۱۶۸.

[۲] توبه/سوره ۹، آیه ۶۸.

[۳] کهف/سوره ۱۸، آیه ۱۰۳ تا ۱۰۵.

[۴] توبه/سوره ۹، آیه ۳۴ و ۳۵.

[۵] اعراف/سوره ۷، آیه ۱۷۹.

[۶] ابراهیم/سوره ۱۴، آیه ۱۵ تا ۱۷.

[۷] غافر/سوره ۴۰، آیه ۱۸.

